

سیمای امام سجاد علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8">

بی گمان شرط اول پیشوا قرار دادن اهل بیت علیهم السلام، شناخت ویژگیهای آنان و تاسی به آنهاست؛ صفات برتری که پیروان را به سوی قله کمال راه می نماید، وجود انسان را با انوار الهی، طاهر می سازد و شایستگی هدایت پذیری و وصول به قرب الهی را فراهم می آورد. بر این اساس، اینک که در آستانه شهادت امام زین العالدین علیه السلام قرار گرفته ایم، از چشمه سار ویژگیها و شخصیت آسمانی آن حضرت جرعه هایی می نوشیم، تا پیرویمان بامعرفت آغشته گردد.

سیمای امام سجاد علیه السلام (1)

ویژگیهای امام سجاد علیه السلام را می توان در دو بخش مطالعه کرد؛ ویژگیهای مرتبط با امامت (علم، عصمت، معجزه) و ویژگیهای شخصی آن حضرت که خود در دو بخش (ارتباط با خداوند، ارتباط با مردم و خود) قابل مطالعه است.

ویژگیهای مرتبط با امامت

1. علم

امام سجاد علیه السلام همچون دیگر ائمه و رسولان الهی برخوردار از علم غیب بود و با این فضیلت الهی وظایف امامت را انجام می داد. علم غیب به دو گونه است:

1. مطلق؛ که مختص خداوند است. «عالم الغیب والشهادة وهو الحکیم الخبیر» ؛ (2) «آگاه به غیب و شهود است و حکیم و داناست.»

2. نسبی؛ که به اذن الهی در اختیار انبیا و امامان قرار دارد؛ علمی که محدود، وابسته به علم الهی، و بالقوه است، برخلاف علم غیب مطلق خدا که نامحدود، مستقل و فعلی است و در هیچ شرایطی، چیزی از او پنهان نمی ماند.

بر این اساس راوی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام می فرمود: «لولا آية في كتاب الله لحدثتكم بما كان وما يكون الى يوم القيامة فقلت له يابن رسول الله اية آية؟ قال: قول الله تعالى يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب؛ (3) اگر یک آیه در قرآن نبود، شمارا به آنچه بود و خواهد بود تا روز قیامت، خبر می دادم. [راوی می گوید:] به او گفتم: ای پسر رسول خدا! آن کدام آیه است؟ فرمود: سخن خداوند تعالی [که فرمود:] «هر چه را خدا بخواهد محو و تثبیت می کند و ام الكتاب نزد اوست.»

آن حضرت زمانی هم که شخصی بر سر مسئله ای فقهی با وی به جدل پرداخت فرمود: «اگر به خانه ما درآیی، ردپای جبرئیل را به تو نشان خواهیم داد. آیا کسی هست که از ما به سنت آگاه تر باشد.» (4) نمونه ای از علم غیب آن حضرت را می توان در برخوردش با عبدالملک بن مروان یافت. حجاج بن یوسف به عبدالملک نوشت: «اگر می خواهی بنیان حکومت خودت را استوار سازی، لازم است علی بن الحسین علیه السلام را به قتل برسانی.»

عبدالملک هم در جواب او نوشت: «از ریختن خون بنی هاشم خودداری کن؛ زیرا سلطنت آل ابوسفیان به واسطه کشتن بنی هاشم چندان پایدار نماند.» عبدالملک نامه را مخفیانه به حجاج فرستاد، ولی چند روز بعد نامه ای از امام سجاد علیه السلام دریافت کرد که در آن نوشته بود: «از آن نامه ای که درباره حفظ خون بنی هاشم به حجاج نوشته بودی اطلاع یافتیم...»

وقتی عبدالملک نامه را خواند، دید تاریخ آن با تاریخ نامه ای که برای حجاج نوشته است مطابقت دارد. (5) ناگفته نماند که علاوه بر امور غیبی که آگاهی از آن برای هدایت سکان امامت ضروری است، آن امام از علوم معمول نیز آگاهی کامل داشت؛ تا آنجا که زهری، از علمای درباری عبدالملک، می گوید: «ما رایت احدا کان افقه منه؛ (6) کسی را فقیه تر از او (امام سجاد علیه السلام) ندیدم.»

2. عصمت

بی گمان سکان هدایت بشر باید در دست کسانی قرار گیرد که خود از هرگونه آلودگی به دور هستند. شیعیان کسی را به امامت می پذیرند که مصداق «لیذهب عنکم الرجس»، و از هر گناه و آلودگی به دور باشد. یک پرسش و پاسخ از محضر امام سجاد علیه السلام می تواند موضوع را به کلی روشن سازد:

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «الامام منا لایکون الا معصوما ولیست العصمة فی ظاهر الخلقة فیعرف بها فلذلک لا یکون الا منصوفا. فقیل یا ابن رسول الله فما معنی المعصوم؟ فقال: هو المعتصم بحبل الله وحبل الله هو القرآن لا یفترقان الى يوم القيامة والامام یمهدی الى القرآن و القرآن یمهدی الى الامام و ذلک قول الله عزوجل «ان هذا القرآن یمهدی للتي هی اقوم» (7)؛ امام از ما، حتما معصوم است و عصمت چیزی نیست که در ظاهر خلقت معلوم باشد تا با خلقت شناخته شود. به این جهت، امام را جز از راه نص نمی توان تعیین کرد. سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! پس معنای معصوم چیست؟ فرمود: معصوم کسی است که به ریسمان الهی تمسک جوید و ریسمان الهی قرآن است. [امام و قرآن] تا قیامت از هم جدا نمی شوند. امام [مردم را] به قرآن و قرآن به امام هدایت می کند و [شاهدش] این سخن خداوند است که «این قرآن [مردم را] به راهی که پایدارتر است، هدایت می کند.»

مناجات آن حضرت در روز عرفه نیز شنیدنی است، آنجا که می فرماید: «وَهَبْ لِي عَصْمَةً تَدِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَتَقْطَعَنِي عَنْ رُكُوبِ مُحَارِمِكَ وَتَفْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعَصِيَانِ؛ (8) عصمتی به من ببخش که مرا به ترس از تو نزدیک سازد و از انجام محارم تو باز دارد و از اسارت گناهان بزرگ آزاد سازد، و پاکی از آلودگی گناه را به من ببخش.»

3. معجزات

معجزه کار خارق العاده ای است که از راهی غیر از راه علل طبیعی و عادی ایجاد می شود و هدف از آن تحدی است. مانند اینکه پیامبر یا امام برای اثبات رسالت و امامت خود کاری خارق العاده انجام دهد و آن را نشانه امامت یا رسالت خود بداند. در قرآن کریم معجزات گاه به خود پیامبران (9) و گاه به خداوند نسبت داده شده است. (10)

اژدها شدن عصای حضرت موسی علیه السلام (11)، ید بیضای آن حضرت، (12) سخن گفتن عیسی علیه السلام در کودکی (13) و...، همگی ثابت می کنند که معجزه امری قابل وقوع است.

اینک نمونه ای از معجزات امام سجاد علیه السلام را نقل می کنیم:

ابو خالد کابلی سالها به امامت محمد حنفیه معتقد بود تا اینکه از طریق یحیی بن ام طویل توانست به حضور امام سجاد علیه السلام برسد. در ملاقات دوم وی، امام سجاد علیه السلام فرمود: «اگر می خواهی مقام خودم را در بهشت هم اکنون به تو نشان می دهم.» امام دستش را به چشمان ابو خالد کشید و او خود را در بهشت و کاخها و رودخانه های آن دید. تا آنکه حضرت بار دیگر دست به چشمان او کشید و او خود را یک مرتبه روبه روی حضرت دید. (14)

وی سرانجام در سایه این توجهات حضرت، توفیق پیروی از امام حق را یافت. (15)

ویژگیهای امام علیه السلام، در ارتباط با خدا

1. شاکر بودن

ابوحزمه ثمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام هرگاه غذا میل می کرد، می فرمود: الحمد لله که به ما غذا داد و ما را سیراب کرد و ما را کفایت فرمود و به ما کمک نمود و ما را پناه داد و نعمت عطا فرمود و فضیلت بخشید. ستایش خدایی را که همگان را اطعام می دهد و کسی او را اطعام نمی کند. (16)

آن حضرت می فرمود: «لقد استرقک بالود من سبقک بالشکر؛ (17) هر که زودتر شکر و سپاس [نعمت] تو را به جا آورد، با دوستی [و محبت] خود، تو را برده خویش کرده است.»

2. عشق به قرآن

آن حضرت می فرمود: «لو مات مابین المشرق والمغرب لما استوحشت بعد ان يكون القرآن معی؛ (18) اگر آنچه بین مشرق و مغرب است از میان برود، پس از آنکه قرآن با من باشد، بیمی به خود راه نمی دهم.» امام سجاد علیه السلام از خوش صداترین افراد بود و ممکن نبود کسی صدای قرآن خواندن او را بشنود و تحت تاثیر قرار نگیرد؛ لذا مورخان گفته اند: سقاهاپی که از در خانه امام می گذشتند، می ایستادند تا صدای امام را بشنوند. (19)

آن حضرت می فرمود: «آیات القرآن خزائن، كلما فتحت خزانة ینبغی لك ان تنظر ما فیها؛ آیات قرآن گنجینه هایی اند، هر وقت گنجینه ای گشوده شود، شایسته است که به دقت در آن بنگری.» برای همین، حضرت در نماز عبارت «مالک یوم الدین» را آن قدر تکرار می کرد که نزدیک بود جان از جسمش جدا شود. (20)

امام زین العابدین علیه السلام در بخشی از دعای بسیار طولانی ختم قرآن خود، بارها این عشق و دلدادگی اش را آشکار می سازد. از جمله عرض می کند: «اللهم صل علی محمد و آله واجعلنا ممن یعتصم بحبله ویأوی من المتشابهات الی حرز معقله ویسکن فی ظل جناحه ویهتدی بضوء صباحه؛ (21) خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که به ریسمان [محکم] قرآن چنگ می زنند و در [درک معانی] متشابهات به پناهگاه محکم محکومات قرآن پناه می برند و در زیر بال قرآن به آرامش می رسند و به وسیله نور صبحگاهی آن هدایت می شوند.»

3. مستجاب الدعوه بودن

امام سجاد علیه السلام از آن روی که محبوب الهی بود، مقام والای مستجاب الدعوه بودن را هم داشت. ثابت بنانی نقل می کند: من و گروهی از عبادت گران بصره (ایوب سجستانی، صالح مری، عتبة الغلام، حبیب فارسی و مالک بن دینار) به حج رفتیم و دیدیم مردم از شدت تشنگی و بی آبی در مضیقه و فشارند. آنان به ما متوسل شدند و ما به سوی کعبه رفتیم و پس از طواف، با تضرع از خدا تقاضای باران کردیم، اما دعای ما پذیرفته نشد. در همین بین جوانی که اندوه و ناراحتی در چهره اش پیدا بود، آمد و بعد از طواف، رو به ما کرد و گفت: مالک بن دینار و... ! گفتیم: بله! گفت: یک نفر از شما را خدا دوست ندارد؟! گفتیم: ما دعا کردیم، اجابت با اوست!

او به سوی کعبه رفت و در آنجا به سجده افتاد. در سجده می گفت: خدایا تو را به علاقه ای که به من داری، اینها را از باران سیراب کن. هنوز دعایش تمام نشده بود که باران همچون دهانه مشک باریدن گرفت. گفتم: جوان! از کجا فهمیدی خدا تو را دوست دارد؟ گفت: اگر دوست نداشت، به خانه اش دعوت نمی کرد. حال که دعوت کرده، فهمیدم مرا دوست دارد؛ لذا او را به علاقه اش به خودم قسم دادم. آن جوان از پیش ما رفت... از مردم مکه پرسیدم این جوان که بود؟ گفتند: علی بن الحسین بن علی ابی طالب علیهم السلام بود. (22)

امام سجاد علیه السلام عبادت را بزرگترین حق خدا بر گردن انسان می دانست و می فرمود: «فاما حق الله الاکبر فانک تعبده، لاتشرك به شیئا، فاذا فعلت ذلک باخلاص جعل لک علی نفسه ان یکفیک امر الدنيا والاخرة ویحفظ لک ما تحب منهما؛ (23)

بزرگ ترین حق خدا این است که او را عبادت کنی و چیزی را با او شریک قرار ندهی. پس اگر این کار را با اخلاص انجام دادی، خدا بر خود لازم می کند کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و هر چه از دنیا و آخرت بخواهی، برایت پاس دارد.»

آن حضرت درباره حق نماز نیز می فرمود: «فاما حق الصلاة فان تعلم انها وفادة الى الله وانک قائم بها بین یدی الله فاذا علمت ذلک کنت خلیقا ان تقوم فیها مقام الذلیل الرغب الراهب الخائف الراجی المسکین المتضرع؛ (24)

حق نماز آن است که بدانی نماز شرفیابی به درگاه الهی است و تو به وسیله نماز در مقابل خدا ایستاده ای. پس هر گاه آن را دانستی، سزاوار خواهی بود که مثل بنده ای ذلیل، مشتاق، ترسناک و بیمناک [از عذاب خدا]، امیدوار [به رحمت او]، محتاج، و نالان، در برابر او بایستی.»

امام سجاد علیه السلام درباره درجات عبادت می فرمود: «من از خدا کراهت دارم که او را تنها به خاطر پاداش عبادت کنم، تا مانند بنده طمعکار باشم که هر وقت طمع ثواب داشت، عبادت کند وگرنه عبادت نکند. و کراهت دارم که از ترس عذابش عبادت کنم، تا مانند بنده بدی باشم که اگر نترسید کاری نمی کند.» سؤال شد: پس به چه منظور خدا را می پرستی؟ فرمود: «برای اینکه او با کرامتها و نعمتهایش شایسته عبادت است.» (25)

در مقام عمل نیز امام سجاد علیه السلام عابدترین فرد روزگار بود. تا آنجا که مالک بن انس درباره آن حضرت می گفت: به من خبر رسیده که علی بن الحسین علیه السلام هر شب و روز هزار رکعت نماز می خواند. (26) و ابن ابی الحدید می گفت: «کان الغایة فی العبادة؛ (27) نهایت در عبادت کردن بود.» برای همین، او به زین العابدین مشهور شد.

امام باقر علیه السلام می فرمود: «بلغ من العبادة ما لم یبلغه احد وقد اصفر لونه من السهر ورمضت عیناه من البكاء ودبرت جبهته من السجود وورمت قدماه من القيام فی الصلاة؛ (28) از عبادت به جایی رسیده بود که کسی نرسیده بود. از شب زنده داری رنگش زرد، و از گریه چشمانش سرخ، و از سجده پیشانی اش برجسته، و از ایستادن در نماز پاهایش دچار ورم شده بود.»

دیگر ویژگیهای امام سجاد علیه السلام را در بخش بعدی این مقاله تبیین خواهیم کرد.
ادامه دارد....

- (1) میزان الحکمة، ج 1، ص 169 (الامامة)، به نقل از نوادر راوندی، ج 3، ص 193.
- (2) انعام/73.
- (3) تفسیر نورالثقلین.
- (4) زندگانی امام زین العابدین، عبدالرزاق مقرر، ص 435، به نقل از فصول المختاره، ج 1، ص 7.
- (5) اثبات الهداة، ج 5، ص 235.
- (6) سیر اعلام النبلاء، ج 4، ص 389.
- (7) بحارالانوار، ج 25، ص 194.
- (8) صحیفه سجادیه، دعای 47.
- (9) آل عمران/49؛ مائده/110؛ اعراف/108.
- (10) اعراف/160.
- (11) اعراف/117 و 107.
- (12) نمل/12.
- (13) مریم/30.
- (14) زندگانی امام زین العابدین، مقرر، ص 86. به نقل از: دلائل الامامة، ص 91. نظیر نشان دادن بهشت و جایگاه آخرت را می توان در مورد امام حسین علیه السلام که جایگاه بهشتی را به یارانش نشان داد، یا امام هادی علیه السلام که به صالح بن سعید نشان داد، یا رفتار حضرت موسی علیه السلام که مقامات بهشتی ساحرانی را که به او ایمان آوردند، به آنان نشان داد.
- (15) مدینه المعاجز، ص 318.
- (16) محاسن برقی، ج 1، ص 16.
- (17) نهاية الرب فی فنون الادب، ج 21، ص 331.
- (18) بحارالانوار، ج 46، ص 107.
- (19) اصول کافی، ج 2، ص 616.
- (20) تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، باقر شریف قرشی، ص 5؛ اصول کافی، ج 2، ص 602.
- (21) صحیفه سجادیه، دعای 41.
- (22) بحارالانوار، ج 11 (ترجمه زندگی امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام)، ص 38.
- (23) تحف العقول، ص 184 به بعد.
- (24) همان.
- (25) تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 132.
- (26) تهذیب الکمال، ج 20، ص 390.
- (27) شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 27.
- (28) مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 148؛ ارشاد، مفید، ص 255.